

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۵ جنوری ۲۰۱۹

ایران یک کشور جنگ‌زده و غارت شده است!

(قسمت هشتم)

حکومت اسلامی ایران، یک حکومت جنگ‌طلب، تروریست و آدمکش است. اولویت چنین حکومت‌هایی در جهان، نظامی‌گری، دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی و راه‌انداختن جنگ و کشتار بوده است. بی‌گمان آن سرمایه‌گذاری‌های کلانی که تاکنون حکومت اسلامی ایران، به‌عرصه میلتاریسم و تروریسم اختصاص داده است اگر به عرصه‌هایی همچون اشتغال، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، کودکان کار و خیابان، و به‌طور کلی به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه داده بود شاید مردم ایران در ردیف خوشبخت‌ترین مردمان کشورهای منطقه و حتی جهان پیشرفته و مدرن قرار می‌گرفت.

آنچه که در زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم تنها گوشه‌هایی از انبوه فعالیت‌های میلتاریستی حکومت اسلامی، یعنی فعالیت راکتی آن را شامل می‌گردد. حکومتی که در سطح جهانی نیز به مدافع رسمی و علنی گروه‌های تروریستی شناخته شده است. از ترور ده‌ها تن فعال سیاسی و فرهنگی و هنری منتقد و مخالف حکومت در داخل و خارج کشور گرفته تا صدور فتوای ترور سلمان رشدی نویسنده هندی-انگلیسی در هزاران کیلومتر دورتر از ایران، حضور فعال در جنگ‌های موسوم به جنگ‌های «نیابتی» خاورمیانه، تنها گوشه‌هایی کوچکی از فعالیت‌های تروریستی و جنگ‌افروزی حکومت اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

با توجه به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بیش از سه دهه حکومت اسلامی در صنعت راکتی، در حال حاضر می‌توان گفت شاید کشور ایران، جزو ۲۰ قدرت برتر راکتی در جهان است.

اما هربار ایران عملیات راکتی انجام داده مخالفان و مدافعان برنامه راکتی ایران در شبکه‌های اجتماعی به بحث پرداخته‌اند. یکی از تازمترین عملیات، حمله راکتی سپاه به «مقر داعش» در سوریه بود، هم‌زمان خبر سقوط یک فروند راکت از راکت‌های شلیک شده و خطای راکتی منتشر شد.

جدا از بحث تأثیرگذاری این حمله؛ خطای دستگاه راکتی و ضد راکتی صرفاً مختص ایران نیست، به‌عنوان مثال یکی از موارد دی ماه سال ۹۶ بود که «هشدار راکتی اشتباه هوائی، مردم امریکا را به وحشت انداخت» و مورد بعد در آبان ماه ۹۶ برای «دستگاه دفاع راکتی پاتریوت ساخت امریکا» در عربستان رخ داد.

صبح روز شنبه هشتم سپتامبر ۲۰۱۸، گزارش شد که حدود ساعت ۱۰ صبح، مقرهای فرماندهی دو حزب کرد ایران، یعنی حزب دموکرات کردستان ایران (حدکا) و حزب دموکرات کردستان (حدک) در حوالی شهر کویه عراق، مورد حمله راکتی قرار گرفت. بنا بر گزارش‌ها دو فرمانده این دو حزب کرد ایرانی هم در میان کشته‌شدگان این حمله‌اند. گزارش شده خالد عزیزی رهبر پیشین حزب دموکرات و ۳۸ نفر دیگر هم در جریان این حملات مجروح شده‌اند. این حمله با راکت و هواپیمای بدون سرنشین انجام گرفته، جلسه پلنوم حزب دموکرات کردستان را هدف قرار داده بود.

دولت اقلیم کردستان عراق، با صدور بیانیهای حملات راکتی به مقر دو حزب دموکرات کردستان ایران در داخل خاک عراق را محکوم کرد. بنابر گزارش‌ها در جریان این حملات ۱۴ نفر کشته و حدود ۴۰ نفر زخمی شدند.

در این بیانیه که هیات دولت اقلیم کردستان عراق آن را منتشر کرده مقام‌های این منطقه خودمختار، ضمن محکوم کردن حملات راکتی صبح شنبه هفدهم شهریور ۱۳۹۷-هشتم سپتامبر ۲۰۱۸، عملیات‌های مسلحانه‌ای که حزب دموکرات کردستان از داخل خاک عراق علیه همسایگان این کشور از جمله ایران ترتیب می‌دهد هم محکوم شده است. بنابر این، بیانیه دولت اقلیم کردستان عراق، یادآور نقل قول معروف «نه سیخ بسوزد و نه کباب» است.

رسانه‌های ایران هم تصاویر و ویدئوهایی از حمله راکتی این کشور به مواضع حزب دموکرات کردستان منتشر کرده‌اند. وبسایت خبری تابناک، نزدیک به محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید این حملات از سوی سپاه پاسداران و از پایگاهی در نزدیکی ارومیه صورت گرفته و در جریان آن شش راکت زمین به زمین به سوی مواضع گروه‌های کرد در داخل اقلیم کردستان شلیک شده است.

شایان ذکر است که این حملات راکتی حکومت اسلامی ایران، «وجدان» حکومت‌های به اصطلاح «طرفدار حقوق بشر» و «مخالف تروریسم» را ناراحت و دچار عذاب نکرد.

با این‌که کشورهای اروپائی و امریکا اتفاق نظر دارند که باید در مورد برنامه راکتی ایران گفت‌وگو صورت گیرد، اما مقامات حکومت اسلامی با گفت‌وگو بر سر موضوع توان راکتی مخالف هستند و همواره تأکید دارند که برنامه راکتی آن‌ها دفاعی و بازدارنده است.

ضمن این‌که حکومت اسلامی بارها به سخنان خامنه‌ای در سال ۱۳۸۹ استناد کرده است که: «کاربرد سلاح هسته‌ای حرام است.» اما نکته قابل تامل در این فتوا این است که آیت‌الله خامنه‌ای هیچ‌گاه تولید یا دستیابی سلاح هسته‌ای را حرام ندانسته است.

حکومت اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲، پروتکل الحاقی معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضاء و اجرائی کرد، اما راکت‌های طراحی شده ایران طبق گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را دارند. همچنین وزارت خارجه امریکا، مدعی است که راکت تازه آزمایش‌شده توسط سپاه قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و هدف قرار دادن کشورهای اروپائی را دارد.

اخیرا دولت اسلامی ایران، به دلیل تحریم اقتصادی ایران توسط امریکا و پائین آمدن فروش نفت ایران، اجبارا سهم نهادهای خاص را از بودجه ۱۳۹۸ کاهش داده است. بودجه نهادهای نظامی نیز کاهش یافته، با این حال سپاه بیش از امسال اعتبار دریافت خواهد کرد.

شیخ حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، سه‌شنبه ۴ دی ۱۳۹۷ لایحه بودجه ۱۳۹۸ را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. او گفت که دولت بودجه را براساس نظرات رهبر حکومت اسلامی اصلاح کرده است.

در لایحه پیشنهادی بودجه، بودجه ارتش حکومت اسلامی حدود یک هزار میلیارد تومان کاهش یافته و ۱۰ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. در همین حال اعتبار پیش‌بینی شده برای سپاه پاسداران ۵ هزار میلیارد تومان نسبت به بودجه سال جاری بیش‌تر و ۲۵ هزار میلیارد تومان تعیین شده است.

پیش‌تر برخی از نمایندگان «فراکسیون ولایتی» مجلس شورای اسلامی از کاهش بودجه نظامی در «شرایط ویژه» انتقاد کرده و گفته بودند که این ارقام در مجلس تغییر خواهد کرد. بی‌تردید این ارقام در هنگام بررسی لایحه در کمیسیون‌های مجلس تغییر کند.

دولت شیخ حسن روحانی همچون گذشته در تلاش است بار سنگین بحران‌ها و کمبودهای اقتصادی حکومت‌شان بر دوش مزدبگیران و محرومان جامعه بیاندازد. حکومتی که به کوچک‌ترین وظایف خود در قبال شهروندان توجهی ندارد و تنها به فکر حفظ حاکمیت خونین خود به هر بهائی است. از این‌رو، دولت برای جبران کاهش درآمدهای نفتی، قیمت خدمات و برخی کالاها را در لایحه بودجه سال آینده افزایش داده است. در همین راستا قیمت گازوئیل ۲۰ درصد گران خواهد شد و عوارض آب آشامیدنی ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت و مشترکان آب شهری به ازای هر متر مکعب باید ۲۰ تومان پرداخت کنند.

دولت سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی را هم ۱۲ درصد کاهش داده است. مجموع درآمد دولت از محل فروش نفت، اوراق قرضه و مالیات ۴۰۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

همچنین در لایحه بودجه افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت پیش‌بینی شده است و حقوق کم‌تر از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان از مالیات معاف خواهد بود. در حالی که به‌دلیل نوسات ارزی و افزایش بی‌سابقه تورم و گرانی، قدرت خرید مزدبگیران در سال جاری تا ۸۰ درصد پائین آمده است. حتی فرض کنیم حقوق ماهانه کارگران دو برابر، یعنی بیش از دو میلیون تومان در ماه شود باز هم در برابر تورم و گرانی و به اقرار برخی مسئولان حکومتی، آن‌ها همچنان در زیر خط فقر باقی می‌مانند. در نتیجه کارگران و سایر مزدبگیران، برای گذران زندگی معمولی‌شان نیاز به پنج یا شش میلیون دستمزد ماهانه نیاز دارند. بنابراین، سال آینده برای مزدبگیران و محرومان جامعه ایران، سالی به سخت‌تر از سال جاری خواهد شد.

با اجرای تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران، میزان صادرات نفت ایران کاهش یافته است. صادرات نفت ایران از ۲/۵ میلیون بشکه در سال گذشته در حال حاضر به حدود ۱/۱ تا ۱/۲ میلیون بشکه رسیده است.

لازم به یادآوری است که ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ - ۱۳ اوت ۲۰۱۷، نمایندگان مجلس ایران طرحی را با عنوان «مقابله با اقدامات تروریستی و ماجراجویانه آمریکا» در منطقه تصویب کرده بودند که دولت را به اختصاص دو هزار میلیارد تومان برای تقویت توان دفاعی و اطلاعاتی ایران و حمایت از سپاه پاسداران موظف می‌کند.

بر اساس این طرح، که کلیات آن روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۹۶، بدون رای مخالف و جزئیات آن با تنها یک رای مخالف تصویب شد، هزار میلیارد تومان دیگر از بودجه دولت هم برای «مبارزه با تروریسم در منطقه» در اختیار نیروی قدس سپاه پاسداران اسلامی قرار گرفت.

نیروی قدس به فرماندهی سرلشگر قاسم سلیمانی شاخه برون مرزی سپاه پاسداران است که در حال حاضر در کشورهای عراق و سوریه و... حضور نظامی دارد.

بر اساس طرحی که مجلس اسلامی ایران به تلافی مصوبه اخیر کنگره آمریکا علیه ایران تصویب کرده، از دوهزار میلیارد تومانی که به تقویت بنیه دفاعی و اطلاعاتی اختصاص داده شده، نیمی از آن به گسترش فعالیت‌های راکتی و نیمی دیگر به وزارتخانه‌های اطلاعات، خارجه و دفاع اختصاص می‌یابد.

چند بند از جزئیات طرح مجلس:

قوه قضائیه موظف به ایجاد شعبه ویژه رسیدگی به شکایات زیان‌دیدگان تحریم امریکا است؛ وزارت خارجه موظف است با همکاری وزارت اطلاعات ظرف دو ماه فهرست ایرانیان را در زندان‌های امریکا تهیه کند؛

وزارت دارائی و امور خارجه موظف هستند از شرکت‌های زیان‌دیده تحریم امریکا حمایت کنند؛ اشخاصی که افشاکننده «فساد» دولت امریکا و «تقلب در انتخابات ریاست جمهوری» و افشای سایر سیاست‌های غلط امریکا بوده‌اند، مشمول تحریم‌های ایران علیه مقام‌های امریکائی نمی‌شوند؛ وزارت اطلاعات و نیروی قدس سپاه باید به‌منظور رصد امریکا با کشورهای مستقل و نیروهای مقاومت در منطقه مشورت و تبادل اطلاعات کنند.

عباس عراقچی، معاون وزارت امور خارجه ایران، گفته است که دولت به خاطر این طرح «قاطع و هوشمندانه» تشکر می‌کند و از آن حمایت خواهد کرد.

ده روز پیش، مصوبه کنگره امریکا با عنوان طرح «مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران» با امضای دونالد ترامپ، رئیس جمهور به قانون تبدیل شد.

بر اساس این قانون ترامپ می‌تواند ظرف ۹۰ روز، سپاه پاسداران، مقامات، نمایندگان و اشخاص وابسته به آن در خارج از ایران را بر مبنای اتهام فعالیت‌های تروریستی تحریم کند.

پیش‌تر حکومت اسلامی ایران، این مصوبه را مخالف روح توافق هسته‌ای خوانده و وعده داده بود با اقدامی متناسب تلافی کند.

در ماده اول مصوبه آن روز مجلس اسلامی ایران، امریکا به اعمال سیاست‌های خصمانه علیه حکومت اسلامی و به خطر انداختن امنیت منطقه متهم شده است.

مصطفی کوآکیان، نماینده مجلس، در جریان بررسی این طرح در تذکری به رئیس مجلس گفت که باید منبع تأمین منابع مالی تخصیص این بودجه به سپاه قدس در متن مصوبه مشخص شود اما علی لاریجانی به او پاسخ داد که «معاذیر» و محدودیت‌هایی برای اعلام منابع مالی این بودجه وجود دارد.

لاریجانی گفت به منابع مالی هزار میلیارد تومان بودجه اضافه سپاه قدس «فکر شده» و مشکلی وجود ندارد و در این زمینه با شورای نگهبان هم صحبت خواهد شد.

بر اساس مصوبه روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۹۶، مقام‌های نظامی و اطلاعاتی امریکا که در تأمین مالی، اطلاعاتی و نظامی «گروه‌های تروریستی و افراطی در منطقه از جمله داعش و جبهه النصره نقش مؤثر داشته‌اند» از سوی ایران تحریم می‌شوند.

این تحریم به‌معنای صادر نشدن ویزا برای سفر امریکائی‌ها به ایران و مسدود شدن دارائی‌ها از سوی قوه قضائیه است. در این مصوبه به‌طور مشخص از افراد، شرکت‌ها یا سازمان‌هایی که مشمول این تحریم می‌شوند، نام برده نشده است. در واقع از سال ۲۰۰۶ که اوج تخصیص بودجه نظامی برای ایران بود تا سال ۲۰۱۴ بودجه نظامی این کشور به‌صورت مداوم با کاهش روبه‌رو بود.

اما پس از به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و امضای توافق برجام، با برداشته شدن تحریم‌های اروپا و سازمان ملل، تهران توانست ردیف هزینه‌های نظامی در بودجه خود را بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، تا ۳۷ درصد افزایش دهد. بودجه نظامی ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی به حدود ۱۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسید.

گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات ستراتیژیک هزینه نظامی ایران را در سال ۲۰۱۷ میلادی، ۱۶ میلیارد دلار تخمین زده است که در مقایسه با سال پیش از آن افزایش جزئی دارد. هزینه سال ۲۰۱۶ میلادی ۱۵/۹ میلیارد دلار بود.

این که بودجه دفاعی ایران چهقدر در سال است؟ چه سهمی از درآمدهای کشور را به خود اختصاص می‌دهد و این هزینه، ایران را در چه جایگاهی از دنیا قرار می‌دهد؟، چندان روشن نیستند.

اگر از بخش‌های محرمانه احتمالی بودجه‌های سالانه صرف‌نظر کنیم، پاسخ به این پرسش‌ها را باید از همان ارقام تعیین شده در لایحه‌های بودجه تخمین زد. یکی دو سالی است که بودجه نظامی و دفاعی ایران با يك ماده واحده افزایش قابل توجه نزدیک به ۵ درصدی داشته است. تا قبل از سال ۹۶، ۵ نهاد نظامی ایران به‌طور مستقیم ردیف بودجه‌ای داشتند: سپاه، بسیج، ارتش، وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح.

اما با اجرای برنامه ششم توسعه از ابتدای سال ۹۶، ردیف ششمی هم به این جدول اضافه شد؛ «بودجه ارتقای توان دفاعی.» این بودجه به‌طور مستقیم در اختیار وزارت دفاع قرار می‌گیرد. ارزش آن هم نزدیک به ۲ هزار میلیارد تومان است؛ و اگر قرار بود همان سهم قانونی ۵ درصدی تقویت توان دفاعی در برنامه ششم لحاظ شود بالغ بر ۲۱ هزار میلیارد تومان و افزایش ۵۰ درصدی بودجه دفاعی کشور می‌شد.

براساس ماده ۱۰۶ قانون برنامه ششم توسعه کشور، دولت مکلف شده حداقل ۵ درصد از منابع بودجه عمومی دولت را به‌عنوان سهم تقویت بنیه دفاعی در ردیف‌های تقویت بنیه دفاعی در بودجه سالانه کشور اختصاص دهد. براساس گزارش یکی از مؤسسات شناخته‌شده در رتبه‌بندی هزینه نظامی کشورها (مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم)، بودجه نظامی حکومت اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶، سهم ۳ درصدی از بودجه کل کشور داشته است. محاسبات انجام شده در چارچوب مفاد برنامه ششم توسعه رشد ۰/۷ درصدی از این تاریخ به بعد را نشان می‌دهد.

بودجه پیشنهادی سال ۹۶ دولت برای ستاد مشترک سپاه پاسداران اسلامی بالغ بر ۲۶ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، ارتش بالغ بر ۹ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، وزارت دفاع بیش از ۴ هزار و ۴۹۷ تومان، ستاد کل نیروهای مسلح بیش از ۶۹۷ میلیارد تومان و بسیج بیش از ۱۸۰ هزار و ۱۸۰ میلیارد تومان بوده است.

مجموع بودجه دفاعی کشور با جمع زدن همین ارقام بیش از ۴۳ هزار میلیارد تومان می‌شود که ۳/۶ درصد بودجه کل کشور خواهد بود. با دالر نرخ رسمی وقت ۳ هزار و ۵۰۰ تومانی بانک مرکزی، بودجه دفاعی ایران حدود ۱۲/۵ میلیارد دلار در يك سال است که در گزارش‌های بین‌المللی نیز معمولاً به‌مشابه همین رقم استناد می‌شود.

حکومت اسلامی ایران، در جدول ارزش مالی هزینه‌های نظامی پس از ترکیه در جایگاه ۱۹ قرار می‌گیرد. نمایندگان مجلس ۲۲ مردادماه ۱۳۹۶، طرحی با عنوان «طرح مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» به تصویب رساندند و ۲ هزار میلیارد تومان در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح و سپاه قدس برای گسترش فعالیت‌های موشکی و مبارزه با تروریسم قرار دادند.

[خبرگزاری امنیتی تسنیم در ۳۰ فروردین ۱۳۹۵](#)، در بخش اول از پرونده ویژه «چرا راکت؟» چگونگی پدیدارشدن نیاز حکومت اسلامی ایران به راکت و علت پیدایش این نیاز، بررسی و روایت کاملی از آنچه که در این زمینه در تاریخ ثبت است، بیان شد.

ارتش ایران اگر چه تجهیزات و ادوات زیادی در اختیار داشت که می‌توان گفت که این ادوات و تجهیزات قابل توجه بودند، اما از نقص‌هایی هم رنج می‌برد که از آن جمله می‌توان به عدم در اختیار داشتن تکنولوژی و زیر ساخت لازم برای تولید راکت و یا حتی خرید راکت به‌عنوان سلاحی که بتوان با آن دشمن را در دور دست‌ها هدف قرار داد، اشاره کرد.

با این وجود، در جنگ ایران و عراق سپاه دست به اقدامی اولیه زد و برخی مناطق مرزی عراق از جمله برخی مناطق شهر بصره را با شرایط خاص مدنظر خمینی، با توپخانه هدف قرار داد اما این کفایت نمی‌کرد چرا که صدام این پاسخ را اصلاً پاسخ نمی‌دانست چه رسد که بخواهد به آن واکنش هم نشان دهد. از طرفی، توان توپخانه‌ای کشور هم محدود بود و برد توپخانه‌ها هم آن‌قدر نبود که بتوان از یک حدی بیش‌تر، مواضع بعضی‌ها را هدف قرار داد.

چند سال از جنگ گذشته و صدام اگر چه در نبردهای زمینی ناکامی‌های زیادی داشته اما با راکت‌هایش خیلی‌ها را نگران کرده بود و مسئولان تنها رامچاره را یافته بودند اما برای عملی‌کردنش راهی طولانی و سخت در پیش بود، راهی به‌سوی راکتی شدن حکومت اسلامی ایران.

بر این اساس بود که شورای عالی امنیت ملی وقت تصمیم می‌گیرد که ۱۳ نفر از یگان توپخانه سپاه به فرماندهی جوانی به‌نام «حسن طهرانی مقدم» تعیین کرده و برای گذراندن آموزش نظامی عازم سوریه شوند، تا بتوانند پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، اولین یگان راکتی ایران را راه‌اندازی کنند.

پس از این‌که در سال ۱۳۶۲، راکت‌باران شهرهای کشور شدت گرفت و تلفات بالائی بر جای گذاشت، مسئولان حکومت به این نتیجه رسیدند که پاسخی در خور و در همان سطح به ارتش عراق بدهند، پاسخی که با امکانات در حد صفر و بدون حتی یک نیروی متخصص، در وهله اول غیر ممکن به‌نظر می‌رسید.

قرار بر این شد که ابتدا، محسن رفیق دوست وزیر وقت سپاه در سفر به سوریه، موضوع راکتی را با حافظ اسد رئیس جمهور وقت این کشور در میان بگذارد و از وی طلب راکت کند. اما سوری‌ها چون ذخایر راکتی‌شان در اختیار خودشان نبود و افسران روس این راکت‌ها را کنترل می‌کردند، نتوانستند به ایران راکت بدهند اما حافظ اسد وعده آموزش راکتی به نیروهای ایرانی را می‌دهد.

سپس در سفر یک هیأت ایرانی به سرپرستی محسن رفیق دوست وزیر وقت سپاه به لیبیا، ایرانی‌ها از معمر قذافی درخواست راکت اسکاد بی می‌کنند که قذافی نیز می‌پذیرد و در چند نوبت مجموعاً ۳۰ راکت اسکاد به ایران می‌دهد و اولین راکت‌ها به سوی مواضع عراقی‌ها شلیک می‌شود.

هشت سال جنگ خونین عراق و ایران در سال ۱۳۶۷ پایان یافت اما یگان راکتی سپاه پاسداران همچنان پابرجا ماند، با توانی ابتدائی در حوزه راکتی و راکتی. این باعث شد که از سال ۶۳ تا ۶۷ (دوران تشکیل یگان راکتی سپاه) به‌دست آورده بودند، موضوع افزایش توان راکتی را در دستور کار قرار دهند.

یکی از موضوعاتی که حکومت اسلامی جهت تبلیغات توان دفاعی در زمان جنگ ایران-عراق مطرح می‌کرد، بحث خودکفائی در ساخت راکت است. اما برخلاف تبلیغات گسترده این خودکفائی در دوران جنگ ایران-عراق حاصل نشد و در آن زمان ایران توسط کشورها یا افراد واسطه اقدام به خرید تسلیحات و راکت می‌کرد.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با کیهان هوائی در سال ۱۳۶۶، گفته است: «ایران تسلیحات و راکت‌های خود را به‌وسیله دلال‌های اسلحه، کمپانی‌های غربی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (بی‌واسطه) خریداری می‌کرد.»

یکی از دلال‌های اسلحه زمان جنگ ایران-عراق که اقدام به خرید تسلیحات و راکت برای ایران می‌کرد منوچهر قربانی‌فر بود. قربانی‌فر از طریق عدنان خاشقچی یکی از سرمایه‌داران عربستان، تسلیحات و راکت‌های «هاوگ» و «تاو» را برای ایران خریداری می‌کرد.

ایران در زمان جنگ با عراق اولین تیم راکتی به نام «حیدر» به سرپرستی حسن تهرانی‌مقدم را در سال ۶۳ جهت آموزش راکتی به سوریه فرستاد، در همان زمان اولین راکت‌ها توسط لیبیا و کره شمالی در اختیار ایران قرار گرفت.

ایران از سال ۶۳ برنامه راکتی خود را آغاز کرد اما در سال ۶۶ از طریق مهندسی معکوس توانست راکت‌هایی با برد ۳۰۰ کیلومتر با سوخت جامد را تولید کند.

در اوایل دهه ۷۰ راکت‌های شهاب ۱ و ۲ طراحی و تولید شدند، این راکت‌های دارای برد ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر بودند. حکومت اسلامی از همان زمان هدف خود را برای دستیابی به راکت‌های دور برد گذاشته بود.

در سال ۷۷ بود که حکومت اسلامی توانست به نسل اول راکت شهاب ۳ دست یابد، این اولین راکت دور برد ایران با سوخت مایع با برد ۱۳۰۰-۱۱۰۰ کیلومتر بود، راکت شهاب ۳ توسط تیم راکتی ایران طراحی و تولید شد. همزمان با تولید و آزمایش راکت شهاب ۳ حساسیت بر روی برنامه راکتی ایران آغاز شد.

یکی از دلایل نگرانی کشورهای قدرتمند و منطقه از توسعه صنعت راکتی ایران رویکرد تهاجمی مقامات جمهوری اسلامی است؛ در این میان اسرائیل بیش از دیگر کشورها از توان راکتی ایران نگران است و یکی از دلایل آن شعارهای مقامات جمهوری اسلامی برای نابودی اسرائیل و همچنین دسترسی و تجهیز گروه‌های مخالف اسرائیل مانند حزب‌الله به راکت‌های ساخت ایران است.

حکومت اسلامی در دهه ۸۰، به راکت‌های بالستیک دور برد با برد ۲۰۰۰ کیلومتر دست یافت که شامل راکت‌های «سجیل، قدر، شهاب-ب-۳» است، اما این راکت‌ها در ابتدای تولید از دقت کافی برخوردار نبودند. ایران بعد از اینکه راکت‌های دور برد طراحی کرد، برنامه خود را جهت دقت‌افزایی راکت‌ها متمرکز کرد.

حجازی معاون وقت ستاد کل نیروهای مسلح اردیبهشت ۱۳۹۳ تأکید کرد: رهبر ایران در سال ۸۸ زمانی که فرمانده جدید هوا و فضا سپاه پاسداران را منصوب کرد دستور داد به دنبال دقت‌افزایی راکت‌ها باشد و تیم راکتی سپاه به دستور آیت‌الله خامنه‌ای تمرکز بر ساخت و ارتقا راکت‌های بالستیک با دقت بالا (نقطه‌زن) کرد.

اما توسعه برنامه راکتی ایران، همواره موجب نگرانی امریکا و اروپا است. آن‌ها بیم دارند که ایران اقدام به تولید مخفیانه راکت‌هایی کند که بردی بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر را دارا باشند.

دهقان وزیر دفاع سابق حکومت اسلامی، مرداد سال ۱۳۹۴ اذعان داشت: «ما راکت با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر نمی‌سازیم» و مقامات حکومت اسلامی هم به این نکته بارها اشاره کردند، اما در اواخر همان سال ایران اقدام به آزمایش راکت‌های با برد ۲۰۰۰ کیلومتر کرد، این راکت‌ها دوربرد و نقطه زن شامل قدر «اف» و «اچ» بود.

اما راکت‌های ایران براساس اطلاعات انتشار یافته مانند «شهاب-دی-۳ یا قدر-۱۱۰» دارای برد بین ۲۲۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر هستند، راکت قدر-۱۱۰ قابلیت هدف قرار دادن دورترین نقاط اروپا و بیش از ۷۰ درصد آسیا را داراست، اما ایران بارها این اطلاعات را تکذیب کرده است و تأکید می‌کند تصمیم به تولید راکت‌های با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ندارد.

مقامات حکومت اسلامی مدعی هستند که صنعت راکتی ایران بومی است، توسعه صنعت راکتی ایران مدیون دلال‌های اسلحه و همچنین کشور روسیه است که منبع اصلی تأمین‌کننده و انتقال دانش فنی و فن‌آوری راکت‌های بالستیک به حکومت اسلامی هستند.

در سال ۱۳۸۰، در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی قرارداد ۳۰۰ میلیون دلاری خرید تسلیحات بین ایران و روسیه منعقد شد. ارتباط ایران و روسیه تنها به خرید و فروش تسلیحات برای دریافت دانش فنی و فن‌آوری راکت‌های بالستیک منجر نشد، گسترش ارتباطات اقتصادی و سیاسی با یکدیگر و همکاری‌های استراتژیک کوتاه و بلندمدت، جزو دیگر دستاوردهای معامله تسلیحاتی بود.

هزینه‌های نظامی حکومت اسلامی ایران، به هیچ‌وجه شفاف نیست. از این‌رو، مقایسه هزینه‌های دفاعی و امنیتی ایران در بالاترین تخمین‌ها، بار سنگینی به دوش اقتصاد ایران گذاشته است!

مسئولان در دوران جنگ به عینه، داشتن توان راکتی و نیاز به این سلاح را دیدند و این موضوع باعث شد که بیش‌تر توان کشور در حوزه نظامی در دوران پس از جنگ تاکنون، معطوف به توان راکتی شود. حالا از آن روزی که جنگ پایان یافته تا کنون، حکومت اسلامی ایران، به یکی از کشورهای جهان در حوزه طراحی و تولید راکت‌های بالستیک تبدیل شده است.

راکت‌های سجیل (برد: ۲۰۰۰ کیلومتر)، راکت قدر اف (برد: ۱۹۵۰ کیلومتر)، راکت قدر اچ (برد: ۱۷۵۰ کیلومتر)، راکت شهاب ۳ در نمونه ارتقا یافته (برد: حدود ۱۸۰۰ کیلومتر)، راکت عماد (برد: ۱۷۰۰ کیلومتر)، مهم‌ترین راکت‌های دور برد ایران و راکت‌های فاتح ۱۱۰ در ۴ نمونه اصلی (برد: ۳۰۰ کیلومتر)، راکت خلیج فارس - ضد کشتی (برد: ۳۰۰ کیلومتر)، راکت‌های ضدرادار و ضد کشتی هرمز ۱ و ۲ (برد: ۳۰۰ کیلومتر) و ... مهم‌ترین راکت‌های کوتاه‌برد حکومت اسلامی ایران به‌شمار می‌روند.

ایران در بالاترین تخمین‌های مؤسسات وابسته به امریکا، سالانه ۱۶ میلیارد دلار در مجموع برای امنیت و مصارف دفاعی خود هزینه می‌کند. کل بودجه مربوط به امور دفاعی و امنیتی ایران در بودجه ۱۳۹۷، در حدود ۶۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

۲۴ مهر ۱۳۹۷، عدد کل بودجه امنیتی و دفاعی ایران در سال ۹۷ رقم ۴ میلیارد و ۸۴۵ میلیون دلار خواهد بود. اما مؤسسات و اشخاص مختلف اعداد مختلفی را در این باره ذکر کرده‌اند، با این حال دامنه این اعداد را می‌توان تا ۱۶ میلیارد دلار تخمین‌ها زد. مؤسسه Trading Economics هزینه نظامی ایران در سال ۲۰۱۷ را حدود ۱۴ میلیارد دلار برآورد می‌کند. تخمین هزینه دفاعی-امنیتی ایران در مؤسسه Trending Economics با این حال مؤسسه Global Fire Power کل بودجه دفاعی ایران را ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان تخمین زده است. تخمین هزینه دفاعی-امنیتی ایران توسط مؤسسه Global Fire Power مؤسسه American Action Forum هم در سال ۲۰۱۵ بودجه دفاعی ایران را ۱۴/۷ میلیارد دلار ارزیابی کرده بود. باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق امریکا هم طی مصاحبه‌ای با یک شبکه آمریکایی گفته بود کل بودجه دفاعی ایران ۱۵ میلیارد دلار است.

آخرین گزارش تفصیلی قابل توجه درباره هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه غرب آسیا، ۴ سپتامبر ۲۰۱۸-۱۳ شهریور ۱۳۹۷، توسط مؤسسه مشهور (CSIS) «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل» Center for Strategic and International Studies منتشر شده است. به عنوان یک اتاق فکر (Think Thank) بسیار مشهور در امریکا و جهان در امور نظامی و امنیتی شناخته می‌شود و به‌صورت اعلام نشده ارتباطات ویژه‌ای با پنتاگون و مراکز امنیتی امریکا دارد. گزارش مورد اشاره با تمرکز بر روی ایران نوشته شده و نویسنده اصلی آن کاردمن (Anthony Cordesman) است. کاردمن پیش از این نیز گزارش‌های متعددی درباره ایران (به عبارت بهتر، علیه ایران) نوشته است. از سوابق او مشاورت و دستکاری در امور مربوط به امنیت ملی برای جان مک‌کین سناتور مشهور ضدایرانی در کمیته امور تسلیحاتی سنا (یکی از عالی‌ترین مراکز مربوط به امور نظامی در امریکا) است. تصویر جلد گزارش اخیر CSIS درباره هزینه‌های نظامی و امنیتی در منطقه نوع رویکرد مؤسسه CSIS، نویسنده اصلی گزارش اخیر، عنوان آن و زمانی که این گزارش منتشر شده است.

بر اساس گزارش CSIS، صادرات سالانه ایران ۱۱۰/۸ میلیارد دلار است که از این میان تقریباً نصف این صادرات (۵۲/۷ میلیارد دلار) را صادرات نفتی تشکیل می‌دهد. این رقم برای امارات ۳۱۳/۵ میلیارد دلار

صادرات (۶۵/۶ صادرات نفتی) و برای عربستان ۲۳۱/۵ میلیارد دلار صادرات سالانه (۱۵۹/۷ میلیارد دلار صادرات نفتی) است. در واقع عربستان حدوداً ۲ برابر ایران در سال صادرات انجام می‌دهد اما حدود ۷۰ درصد صادرات آن نفتی است در حالی که این رقم برای ایران ۴۷ درصد است. میزان صادرات نفتی و غیرنفتی و تولید ناخالص ملی ایران (GDP) در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و شورای هماهنگی خلیج فارس بر اساس گزارش CSIS ارقام مقایسه‌ای که CSIS از کل هزینه‌های امنیتی و دفاعی ایران در مقایسه با هزینه‌های نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس، اسرائیل و بعضی دیگر از کشورهای منطقه ارائه کرده است. بر این اساس بعد از عربستان با ۷۶/۷ میلیارد دلار هزینه نظامی و امنیتی در سال، عراق با ۱۹/۳ و اسرائیل با ۱۸/۵، ایران با ۱۶ میلیارد دلار در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد. بعد از ایران، عمان، کویت، مصر، لبنان، اردن و بحرین در جایگاه‌های بعدی هستند. بر اساس جدول بالا، عربستان تقریباً ۵ برابر ایران در سال در امور نظامی و امنیتی هزینه می‌کند. قاعدتا نقش‌آفرینی به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی مالی تروریسم در منطقه یکی از علت‌های اصلی این هزینه‌کرد نجومی برای عربستان است. همچنین در جدول زیر، CSIS روند تغییرات بودجه نظامی این کشورها را بر اساس داده‌های مؤسسه SIPRI (مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم) را نشان می‌دهد: بر مبنای این جدول ایران تقریباً روند ثابت (با افزایش و کاهش‌های نسبی در برخی سال‌ها مانند ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶) در هزینه‌های دفاعی و امنیتی داشته اما روند صعودی هزینه‌های نظامی عربستان سعودی بسیار قابل توجه است. بعد از عربستان، امارات متحده عربی مشخص‌ترین افزایش بودجه نظامی را طی سال‌های اخیر دارد به نوعی که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ بودجه نظامی این کشور حدوداً ۴ برابر شده است.

رحیم‌صفوی، مشاور خامنه‌ای در امور نظامی گفته است که ایران هزینه مداخله در سوریه را با قراردادهای طولانی‌مدت بر سر منابع این کشور تأمین خواهد کرد. او یکی از نتایج جنگ سوریه را تبدیل حزب‌الله لبنان به «ارتشی قدرتمند» توصیف کرد.

رحیم‌صفوی شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۶، در نشست «بررسی بحران سوریه، آخرین تحولات میدانی و سیاسی» گفت: «جمهوری اسلامی ایران بایستی هزینه‌هایی را که در سوریه است، برگرداند و سوری‌ها این آمادگی را دارند که از نفت، گاز و معادن فسفات سوریه هزینه را برگردانند.» او ادعا کرد که روسیه به دلیل ساخت پایگاه نظامی در سوریه و اخذ امتیازهای اقتصادی و سیاسی با عقد قراردادهای ۴۹ ساله با دولت دمشق، یکی از برندگان جنگ ۸۳ ماهه سوریه بوده است. او گفت ایران نیز باید با عقد قراردادهای طولانی سیاسی و اقتصادی دیگر برنده این جنگ باشد. رحیم‌صفوی گفت که ایران هم‌اکنون در حال صادرات فسفات از معادن سوریه است.

نمایشگاه بین‌المللی دمشق در سال ۹۶، پس از شش سال برگزار شد. مقام‌های حکومت اسلامی ایران که اعلام کرده‌اند «نباید بازار سوریه را از دست داد»، از افزایش دو برابری صادرات کالاهای ایرانی به این کشور خبر می‌دهند. دولت اسلامی ایران سال گذشته «خط اعتباری ویژه» به منظور تأمین اعتبار صادرات تجار و صنعتگران به سوریه اختصاص داد.

عماد خمیس، نخست‌وزیر سوریه نیز در سفرش به ایران در اواخر دی‌ماه گذشته پنج سند همکاری با تهران امضاء کرد؛ همکاری در زمینه‌های مخابرات، کشاورزی و معدن. طی در سال‌های گذشته، ایران علاوه بر کمک‌های نظامی و آنچه که همکاری‌های مستشاری اعلام شده، ۵/۶ میلیارد دلار کمک اعتباری به بانک مرکزی سوریه کرده است.

مقام‌های حکومت اسلامی ایران امیدوارند که مشارکت در پروژه‌های بازسازی سوریه بتواند هزینه‌های مالی مداخله نظامی در این کشور را جبران کند.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول ۷۵ درصد اقتصاد سوریه در جریان جنگ داخلی تخریب شده و بازسازی این کشور حداقل ۲۰ سال طول خواهد کشید.

مشاور نظامی رهبر حکومت اسلامی ایران، همچنین یکی دیگر از «نکات مثبت» جنگ سوریه را بدل شدن گروه شیعی حزب‌الله لبنان به یک «ارتش قدرتمند» دانست.

به ادعای او، همان‌طور که سپاه پاسداران در طول هشت سال جنگ عراق به یک ارتش نیرومند بدل شد، حزب‌الله نیز با شرکت در جنگ سوریه «کنار گوش صهیونیست‌ها تبدیل به یک ارتش شد.»

او در این سخنرانی با تشکیل ناحیه خودگردان «روژآوا» در شمال سوریه نیز مخالفت کرد و گفت حمله ترکیه به منطقهعفرین به این دلیل بود «که اگر در شرق فرات یک دولت خودمختار شکل گرفت، راه به مدیترانه نداشته باشد.» نماینده خامنه‌ای مانند رهبرشان، رسماً دروغ می‌گوید. چرا که در روژآوا نه دولت خودمختار، بلکه فدارسیون دموکراتیک بدون «دولت - ملت» وجود دارد.

ترکیه ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ حمله به عفرین، یکی از کانتون‌های سه‌گانه کردها در شمال سوریه را آغاز کرد. در این حمله ائتلاف موسوم به «ارتش آزاد سوریه»، داعش، جبهه النصره و... تحت حمایت هوایی و زمینی ارتش ترکیه حمله به عفرین را پس از ۵۸ روز اشغال کردند.

حکومت اسلامی ایران، هزینه‌های بالائی که توسط سپاه پاسداران اسلامی برای ایجاد و حمایت از گروه‌های مسلح در سرتاسر جهان هزینه می‌کند، بدون شک به‌طور مستقیم بر وضعیت اقتصادی در ایران و شرایط زندگی مردم ایران تأثیرگذار بوده است.

بر اساس بررسی‌ها و تحقیقات مختلف، حکومت اسلامی ایران دست‌کم ۲۳ درصد از کل بودجه کشور را به گروه‌های اسلامی داخلی و بین‌المللی اختصاص داده است. بودجه حمایت ارائه شده به شبه‌نظامیان را مشخص نمی‌کند اما بر اساس سرفصل «خیریه» و «مسائل فرهنگ اسلامی» مشخص شده‌اند. یا بخشی از آن از طریق کمیته امداد امام خمینی (آی کی آر اف) و تعاونی بسیج و بخشی از آن از طریق بودجه دولتی تأمین می‌شود.

گروه‌هایی که سپاه پاسداران حکومت اسلامی از آنان حمایت می‌کند: «در عراق شامل سازمان بدر، جنبش النجباء، عصاب اهل حق، گردان‌های حزب‌الله، تیپ‌های امام علی، تیپ الخراسانی، تیپ‌های سیدالشهدا و تیپ ابوالفضل العباس هستند. بر آورد شده است که حمایت از گروه‌های مستقر در عراق حدود ۳ میلیارد دالر در سال هزینه دارد.

در یمن، حوثی‌ها (انصارالله) حدود ۲/۵ میلیارد دالر در سال دریافت می‌کند. حزب‌الله لبنان نیز حدود ۱ تا ۱/۵ میلیارد دالر دریافت می‌کند. سپاه پاسداران اسلامی از تیپ فاطمیان در افغانستان (۱۵۰ میلیون دالر در سال) و لشکر زینبیون در پاکستان (۱۰۰ میلیون دالر در سال) و همچنین سایر شبه نظامیان خارجی حمایت می‌کند.

با این حال علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درباره وضعیت بودجه دفاعی و امنیتی کشور در لایحه بودجه سال ۹۷ گفت بود: «وضعیت بودجه دفاعی و امنیتی کشور در بودجه سال آینده با توجه به مجموع تحولات منطقه، مطلوب نیست.» او ادامه داد: «انتظار ما از دولت این بود که نگاه پرنگتر و ویژتری به بخش دفاعی کشور و بودجه نیروهای مسلح داشته باشد.»

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی با بیان این که فراموش نکنیم که «ما با تهدیدات مکرر امریکا و رژیم صهیونیستی مواجه هستیم»، تصریح کرد: «امنیت ضرورتی جدی و اجتنابناپذیر برای توسعه کشور است و لازمه آن این است که بودجه کافی برای آن تأمین شود.»

همچنین سیدحسین نقوی حسینی سخن‌گوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از وضعیت بودجه دفاعی در لایحه بودجه سال ۹۷، گفته است: «وضعیت بودجه دفاعی در لایحه بودجه سال ۹۷ مناسب نیست.» او با تأکید بر این که دولت نسبت به ارتقای بودجه دفاعی در لایحه بودجه سال ۹۷ کم‌توجهی کرده است، گفت: «در شرایط لایحه بودجه سال ۹۷، وضعیت بودجه دفاعی و ارتقای توان نظامی تا حدودی خوب است، اما مطلوب نیست.»

سهم نهادهای نظامی کشور از بودجه سال ۹۷ بیش از ۴۰۰ تریلیون ریال است. با ارائه لایحه بودجه سال ۹۷ توسط رئیس‌جمهور به مجلس، ارقام بودجه نهادهای نظامی از جمله ارتش، سپاه پاسداران، وزارت دفاع و سازمان بسیج مشخص شد.

براین اساس بودجه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ارتش، سپاه پاسداران و بسیج به شرح زیر است:

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: ۴۴ تریلیون و ۹۷۱ میلیارد و ۳۵۵ میلیون ریال؛

ستاد مشترک ارتش: ۹۷ تریلیون و هشتاد میلیارد و ۸۶۶ میلیون ریال؛

ستاد مشترک سپاه پاسداران: ۲۶۷ تریلیون و ۳۶۶ میلیارد و ۹۷۱ میلیون ریال؛

سازمان بسیج: ۱۱ تریلیون و ۸۰۴ میلیارد ۸۴۳ میلیون ریال؛

از مجموع بودجه وزارت دفاع، مبلغ ۱۹۱۹ تریلیون و ۶۵۹ میلیارد و ۱۳۸ میلیون ریال برای تقویت بنیه دفاعی و ارتقای توان دفاعی کشور در نظر گرفته شده است.

طبق برنامه ششم کل کشور دولت موظف است در حوزه دفاعی و نظامی، ۱۳ اولویت اصلی را رعایت کند. طبق بخش دفاعی قانون برنامه ششم توسعه، ۵۵ اولویت نخست دفاعی کشور در ۵ سال آینده، شامل موارد ذیل است:

توسعه و افزایش توان تولیدی راکت؛

توسعه و تقویت توان پدافند هوایی در سطوح مختلف برد کوتاه، متوسط و بلند؛

توسعه و به‌روزرسانی شبکه‌های ارتباطی امن و پایدار و تعامل‌پذیر و برخوردار از فناوری‌های مناسب با هدف استقرار کامل دستگاه فرماندهی و کنترل؛

هوشمند و متحرک‌سازی برخی دستگاه‌های تسلیحاتی متناسب با تهدیدات؛

توسعه و تقویت امکانات جنگ الکترونیک و دفاع رایانگی (سایبری).

براساس این اولویت‌ها، دولت موظف است که لایحه بودجه سالانه را بر مبنای همین قانون در حوزه‌های مختلف به مجلس تقدیم کند.

ایران از یکسو و وجود ذخایر طبیعی اعم از نفت، گاز، معادن و... نشان می‌دهد که ایران همواره مرکز توجه کشورهای دیگر بوده و کشورهای استعمارگر همواره تلاش داشتند تا ویژگی‌های خاص ایران به‌نفع خود استفاده ببرند.

سؤال این‌جاست در چنین شرایطی آیا ایران نیاز به توان نظامی قدرتمندی ندارد؟

وجود چنین اولوفیتی که از سوی کارشناسان نظامی و سیاسی بر آن تأکید شده است نشان می‌دهد که مهم‌ترین اولویت بودجه دولت اسلامی، تقویت نظامی‌گری و میلیتاریسم است.

ایران و عربستان و اسرائیل در منطقه خاورمیانه به صورت جدی در عرصه‌های مختلف با هم به رقابت پرداخته‌اند. تنش‌های اخیر در سوریه و یمن، اختلاف این دو حکومت‌ها را بیش‌تر و بیش‌تر کرده است.

تحلیل‌گر الجزیره بر مبنای توان نظامی دو کشور ایران و عربستان، بودجه دفاعی، نرخ رشد اقتصادی و فروش نفت به بررسی قدرت نظامی ایران و عربستان پرداخته و سعی نموده است که پیروز جنگ را تعیین کند.

مهم‌ترین ابزارهای دخالت ایران در سوریه عبارتند از:

الف) در حوزه نظامی: تهران تلاش می‌کند روند تحرکات امنیتی و سیاسی دولت سوریه را در اختیار بگیرد. فرماندهان و مستشاران سپاه پاسداران مستقیماً بر: آموزش شبکه نظامی حکومت سوریه، تجهیز آن‌ها به ابزارهای تسلیحاتی، نظارت بر عملیات نظامی، حتی در اختیار گرفتن انحصاری برنامه مذاکره با گروه‌های معارض فعال اشراف و کنترل دارند. علاوه بر تمامی آن موارد، ایران در برنامه‌ریزی و فرماندهی درگیری‌ها، ترسیم خطوط تفکیک در داخل سوریه، جابه‌جایی یگان‌های نظامی با توجه به دگرگونی‌های عملیات میدانی، نقشی پررنگ دارد. تعدادی از شبه نظامیان شیعی عراقی و لبنانی برخوردار از پشتیبانی گروه‌های شیعی افغانی و پاکستانی مأموریت‌های متعددی را در برنامه عملیات جنگی بر دوش دارند. هر یک از این شبه‌نظامیان بر برخی از جبهه‌های درگیری تقسیم شده‌اند: حزب‌الله در استان‌های حمص، دمشق و حلب. شبه‌نظامی‌های عراقی در موقعیت‌های نظامی مشخص قرار گرفته و نقش‌هایی تعریف شده را بر دوش دارند که معروف‌ترین آن‌ها گردان ابو الفضل العباس، عصائب اهل حق، لشکر عمار بن یاسر، و گردان‌های سید الشهداء هستند. در این میان نیروهای اسد اقدامات لجستیکی، پشتیبانی هوایی و دیگر خدمات را برای آن شبه‌نظامیان بر عهده دارند. البته در کنار آن‌ها اقدام به سازمان‌دهی شبه‌نظامی‌های هوادار خود می‌نماید.

حکومت اسلامی ایران، همچنین گام‌های ستراتیژیکی را بر داشته، به بازسازی دستگاه‌های امنیتی سوریه پرداخته و بیش‌تر مخالفان حضور خود و در اختیار داشتن زمام امور سیاسی و نظامی و امنیتی آن کشور را کنار می‌گذارد و حامیان حضور خود را جایگزین آن‌ها می‌نماید. مسئولین سپاه این پروژه را در راستای روند تسلط بر مهم‌ترین ارکان قدرت و دولت در سایه پیگیری می‌نمایند، تا در صورت بروز هر گونه دگرگونی سیاسی احتمالی، منافع ایران با هیچ‌گونه مشکلی روبه‌رو نگردد.

حکومت اسلامی ایران، توانسته است دولت اسد را برای ایجاد دگرگونی در بافت جمعیتی سوریه از دو طریق وادار کند: ۱- اعطای تابعیت به ده‌ها هزار (و شاید هم بیش‌تر) از شیعیان عراقی، ایرانی و لبنانی. ۲- لغو تابعیت بسیاری از شهروندان اصلی سوری. علاوه بر این، سپاه برای بازسازی هویتی جامعه سوریه از راه برنامه‌های شیعه‌سازی تلاش می‌کند، هرچند این برنامه‌ها در مناطق خارج از کنترل حکومت به هم خورده است، اما برای جبران آن تلاش‌هایی را در راستای بازنگری در شناسه و هویت اقلیت‌ها - مشخصاً شیعه جلوه دادن علوی‌ها - صورت داده، زیرا که آنان می‌توانند بستر اجتماعی حضور ایران را در سوریه تشکیل دهند، کاری که در آینده به ایران این فرصت را خواهد داد تا به نام آن اقلیت‌ها به ایفای نقش‌های مداخله‌جویانه بیش‌تری بپردازد.

حکومت اسلامی ایران، همچنین تلاش می‌کند از راه عملیاتی کردن پروژه‌های نظامی خود، برخی از مناطق و محورهای ژئوپولیتیک مهم سوریه را از «عناصر سنی» تخلیه نماید، زیرا حضور اهل سنت در مناطقی که راه‌های تدارکاتی شبه‌نظامیان وابسته به ایران یا جبهه‌های نبرد را مورد تهدید قرار دهند، برای این کشور دیگر پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر می‌خواهد بدین وسیله از نفوذ نظامی مخالفان بدان مناطق جلوگیری نماید. پس از بمباران منطقه «زبدانی» با بشکه‌های انفجاری، شروطی را که ایران و دولت سوریه برای گفتگو با مخالفین آن منطقه قرار داده بودند، به روشنی بر وجود چنین سیاستی مهر تأیید می‌نهد.

ب) در حوزه اقتصادی: ایران هزینه‌های مالی ماشین جنگی حکومت اسد را پذیرفته، بر اقتصاد سوریه تسلط پیدا کرده است و از آن به‌عنوان هم‌ازاری برای شکستن تحریم‌های بین‌المللی بر ضد ایران و هم‌گذرگاهی برای صدور کالای ایرانی به کشورهای عربی بهره می‌گیرد، اما این مسأله با ریزش درآمدهای دولت سوریه همراه بوده است. از همان آغاز انقلاب سوریه، ایران تسلط خود را بر روند روابط تجاری با آن کشور ادامه داده و آن را در عرصه‌های گوناگون تقویت کرده، تا جایی که بارها با تزریق پول به بودجه دولت سوریه، اسد را از ورشکستگی نجات داده است.

ابزارهای دخالت نظامی حکومت اسلامی ایران؛ با توجه به طبیعت هر مرحله، تدریجی و گوناگون بوده است. اما آن دخالت‌ها با این‌که عامل ایجاد نوعی از توازن میان طرف‌های درگیر بود و کفه ترازو را به‌نفع حکومت سوریه سنگین کرد، اما در شرایطی به‌جایی رسید که توان و امکان پایداری را از دست داد و سپاه پاسداران مجبور شد روس‌ها را برای درگیر شدن در نزاع سوریه و نجات اسد فرا بخواند، زیرا که پایگاه‌های نظامی دولتی در شمال و جنوب کشور یکی از پس دیگری داشتند فرو می‌ریختند. به‌طور کلی می‌توان پاره‌ای ابزارها و راکتورها را از همدیگر تفکیک نمود: ابزارهای امنیتی و اطلاعاتی، مشاوره نظامی و عملیاتی، افزایش روند حضور و پشتیبانی از ارتش سوریه از طریق شبه‌نظامی‌های ایرانی، عراقی، افغان و لبنانی، کاستن از هزینه دخالت مستقیم از راه حمایت مالی از شبه‌نظامی‌های محلی و نظارت بر آموزش و برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی آن‌ها. اما با وجود حجم سنگین آن ابزارها، استقرار نظامی ایران در سوریه - به‌ویژه اندکی پیش از دخالت روسیه و حتی پس از امضای توافق‌نامه هسته‌ای- ثابت نبود. امضای توافق‌نامه هسته‌ای و حاشیه‌هایی که با آن همراه بود، حرکتی موقت بیش نبود، و این توافق برای بهبود استقرار نظامی ایران و هم‌پیمانانش نقشی نداشت و عملاً ایران را بیش‌تر در باتلاق نظامی سوریه غرق نمود. حتی در مناطق استراتژیکی که برای تسلط کامل بر آن‌ها تلاش بسیار کرده بود، به خاطر فراوانی طرف‌های فعال محلی و تنوع وابستگی‌ها و تفاوت توانایی‌های نظامی آنان، وضعیت نیروهای وابسته به ایران همچنان ناآرام است. در حقیقت سوریه به‌صورت میدانی برای فرسایش گسترده مادی و بشری ایران و نیروهای وابسته، به‌ویژه حزب‌الله و شبه‌نظامی‌های عراقی درآمده است که به‌دنبال آن ممکن است این مسأله بر روی منافع آن کشور در لبنان و عراق نیز تأثیر منفی بر جای بگذارد. گذشته از آن، افزایش احتمال بروز نزاع‌های مسلحانه خفته میان شبه‌نظامی‌های وابسته به آن در سوریه را نباید از نظر دور داشت.

دخالت روسیه که شرایط سخت سیاسی و نظامی پرونده سوریه آن را ناگزیر ساخت و روسیه و ایران گزینه دیگری به‌جز آن نداشتند، چرا که احتمال شکست استراتژییک اهرم سیاست خارجی ایران و روسیه داشت نمایان می‌گردید. در نهایت توانست معادلات نظامی میدانی را به‌نفع محور روسیه و ایران تغییر دهد. پس از صدور بیانیه ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵ «وین» مشخص شد که روسیه و ایران به‌دنبال همکاری نزدیک در حوزه‌های سیاسی و نظامی با هدف در اختیار گرفتن زمام امور میدانی و رویارویی با مخالفان سوری هستند، تا آن را به دستاوردهایی سیاسی تبدیل و در راستای تقویت محور خویش و تعریفی تازه از پرونده سوریه به کار گیرند. با توجه به این روند، مسکو خود را برای در پیش گرفتن همان استراتژی نظامی که دولت سوریه و ایران آن را در پیش گرفته بودند و به استراتژی «پیروزی کامل نظامی» بر مخالفان معروف است، آماده ساخت، و برای تحقق این استراتژی معادله سیاسی «مبارزه با تروریسم» را به‌کار گرفت. نیروی هوایی و راکتی روسیه ابتدا مناطق تحت کنترل نیروهای انقلابی را در ساحل سوریه هدف قرار داد و آن‌ها را از بیش‌تر مواضع خود در جغرافیای «سوریه مفید» بیرون راند و سپس برای دستیابی به اهداف خود از سیاست کوچ دادن اجباری ساکنان اصلی و در نهایت تسلط دیگر بار بر شهر حلب بهره گرفت.

علاوه بر تمامی این مسائل، در لابلای رویکرد سیاست خارجی روسیه در سطح قدرت‌های فعال بین‌المللی و منطقه‌ای، نگاه رهبری روسیه در تعامل با پرونده‌های بهار عربی مهندسی شده بود، و پس از آن‌که در گیر و دار دخالت نظامی مستقیم روسیه صف‌بندی‌های منطقه‌ای شکل گرفت، روس‌ها خطوط برنامه‌های سیاسی و امنیتی خود را به‌گونه‌ای ترسیم کردند که با رویکرد سنتی خود در تعارض قرار نگیرد. «بیانیه مسکو» توسط روسیه، ایران و ترکیه، حلقه اصلی آن مهندسی به‌شمار می‌آید که با خنثی‌سازی مداوم هر گونه کارائی مورد انتظار از شورای امنیت - جز قطع‌نامه ۲۳۲۸ در مورد انتشار ناظران بین‌المللی برای نظارت بر خروج مخالفان از حلب که تسلط دائمی بر شهر حلب را تقویت می‌کرد- همراه بود. با توجه به آن بیانیه مشترک که بعدها به فعال‌سازی و تقویت روند مذاکرات آستانه انجامید، تهران فرصت یافت تا برای تعامل با رویکردهای ترمپ، بر روس‌ها تکیه کند، زیرا مسأله مهار ایران به‌خاطر در پیش گرفتن سیاست‌های تشنج‌زا و ایجاد ناامنی در منطقه یکی از مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی ترمپ بود.

با وجود این‌که ایران در ارتباط با برنامه مدیریت و رهبری پرونده‌های دولت سوریه به صندلی عقب برگشته، اما از هیچ کوششی برای تقویت گزینه‌های همکاری ستراتیژیک با روسیه فرو گزار نکرده است. اما این بدین معنی نیست که طرفین بر سر تمامی مسائل سیاسی توافق دارند. هدف کوتاه‌مدت و مقطعی ایران از همکاری با روسیه، ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های نظامی است که همچنان بر روی مرزهای لبنان، مناطقی از قلمون شرقی و همچنین غرب دمشق تمرکز خواهد کرد، و هدف از آن پاسداری از نفوذ خود در لبنان که نماد آن حزب‌الله و تأمین امنیت راه‌های لجستیکی و تضمین ادامه آن است. پس از دخالت نظامی روسیه که سبب کاهش فشار بر ایران گردید، این کشور به تقویت جبهه‌های درگیری در عراق روی آورد. دخالت روسیه، همچنین جوانب منفی گشایش ایران در برابر جامعه جهانی پس از توافق هسته‌ای را کاهش می‌دهد، زیرا که مدیریت پرونده‌های بین‌المللی ایران عملاً در اختیار مسکو قرار داده شده است.

آتش‌بسی که کنفرانس آستانه به‌ویژه در چهار منطقه پیشنهادی در کنفرانس اخیر در پی پا برجائی آن بود و همه آن‌ها در غرب سوریه قرار دارند، و شعله‌ور نمودن آتش درگیری‌ها در شرق این کشور، چیزی جز بازتاب نیاز روسیه و ایران به فرو کش نمودن نزاع در آن مناطق نبوده است، تا برای ایجاد امنیت در مناطق شرق هم مرز با عراق و تضمین نیفتادن شهر دیرالزور در اختیار امریکائی‌ها فرصت لازم را پیدا کنند. از نگاه روس‌ها با توجه به مسأله حاکمیت دولت مرکزی، مناطق مرزی با عراق بایستی سهم دولت سوریه باشد، اما از نگاه ایرانی‌ها برای تأمین راه تهران-بیروت، منطقه دیرالزور منطقه‌ای مهم و حساس به‌شمار می‌آید. در گیر و دار این دگرگونی در روند درگیری‌ها بود که «کنفرانس ژنو» همان‌گونه که آغاز شد، پایان هم یافت، تا برای استقرار موازنه قدرت میان نیروهای درگیر منتظر بماند و شرایط جدید و بازیگرانی جدید برای مذاکره از آن سر بیرون آورند.

از سوئی حکومت اسلامی و همپیمانان آن متوجه خطر سقوط مناطق مرزی سوریه با عراق در اختیار نیروهای «جبهه جنوبی» و یا مردم کرد شدند. به همین خاطر شبه‌نظامیان عراقی و لبنانی عملیات خود را با هدف تسلط بر دیرالزور پیش از دستیابی امریکائی‌ها به آن آغاز کردند تا در صورت عدم تحقق این دستاورد، دست‌کم فضای مناسبی را برای مذاکره با آن‌ها به وجود آورند. اگر این مسأله روی دهد، دستاورد سیاسی مورد نظر ایران تحقق خواهد یافت. همچنین ایرانی‌ها و روس‌ها بدون درنگ برای گسترش نفوذ خود بر شرق سوریه و الحاق نیروهای عشایر آن‌ها به سپاه پنج دولت سوریه وارد عمل شدند. اضافه بر آن حزب‌الله لبنان پایگاه‌های خود را در مرز سوریه و لبنان به نفع ارتش لبنان و در جنوب سوریه به نفع نیروهای روس تخلیه و خود به سمت «شهر تدمر» حرکت کرد.

ماهیت تحرکات نظامی حکومت اسلامی ایران، بیان‌گر اقدام آن کشور به سه مأموریت محوری است: نخست- تسلط همه جانبه بر فعالیت‌های سازمان‌های نظامی و امنیتی سوریه، به گونه‌ای که برخورداری از اهرم‌های تصمیم‌گیری

کلان را برای خود تضمین کند و به دنبال آن زمام یکی از مهمترین پایه‌های دولت در سایه را در اختیار داشته باشد، چیزی که با اهداف سیاسی تهران در تضمین شروط ژئوپولیتیکی تجسم پیدا می‌کند. دوم- تسلط بر مهمترین راه‌های حمل و نقل زمینی در سوریه تا از یکسو به آب‌های گرم برسد و از سوی دیگر ارسال اسلحه به حزب‌الله را ادامه دهد. سوم- توانایی نظامی خود را در سوریه به دولت ترمپ نشان دهد که ظاهراً گزینه رویارویی با ایران را به عنوان گزینه‌ای سخت و حساس نگاه می‌کند تا امریکا در جنگ «رقه و دیر الزور» نیروهای وابسته به ایران را به عنوان شریکی محوری نگاه کند و نیروهای معارض سوری را از شراکت در آن محروم سازد، زیرا موافقت امریکا با مشارکت شبه‌نظامیان وابسته به ایران، احتمال بهبودی جایگاه سیاسی این کشور را در لابلای روند راحل سیاسی فراهم می‌سازد.

در هر صورت شرایط منطقه‌ای، اولویت‌ها و گزینه‌های دولت ترمپ، روند مذاکرات آستانه که به دنبال تحویل گرفتن مسائل سیاسی از روند مذاکرات «ژنو» با هدف تعطیل و ناکارآمد کردن آن است.

اما پاره‌ای از نشانه‌ها بر نالاستواری این جایگاه سیاسی برای حکومت اسلامی ایران دلالت دارند، مانند ناکامی در روند گزینه راحل سیاسی و خروجی‌های ناچیزی که لازمه آن بالا رفتن هزینه‌های دخالت سیاسی و نظامی و افزایش روند فرسایش مالی و انسانی ایران است. همچنین فضای مناسب را برای ایجاد دگرگونی منطقه‌ای تازه و اثرگذار بر معادلات نظامی مهیا می‌سازد. گذشته از آن، صفتبندی سفت و سخت ایران برای حمایت از منافع محدود و اندک خود، بدون توجه به تهدیدهایی که امنیت منطقه را هدف قرار می‌دهند، و نیز تلاش بر دوام آن برای تحمیل برنامه‌های سیاسی خود بر منطقه با بهره‌گیری از راهکار و ابزار نظامی به از بین رفتن حمایت مردم اهل سنت از برنامه‌های فرقه‌ای و سیاسی ایران و گروه‌های وابسته به آن و تقویت شکاف سیاسی با مهمترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه منجر شد.

توجیه گسترش مرزهای مجازی ایران، با این هدف صورت گرفته که اگر در آینده دشمنی تصمیم به حمله به ایران داشته باشد چند هزار کیلومتر دورتر بتوان با آن مقابله کرد. با این دیدگاه حکومت اسلامی ایران شروع کرد مرزهای مجازی خود را گسترش دادن در شرق مرزهای مجازی ایران به چین رسیده و در غرب به دریای مدیترانه در جنوب به یمن. گسترش مرزهای مجازی به این معنا نیست که نیروهای ایران بروند و در کشور دیگری مستقر باشند، بلکه به این معنا است که در برخی از شرایط ایران همپیمانانی مانند حزب‌الله لبنان و الحشد الشعبی عراق و انصارالله یمن، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و مقاومت مردمی در سوریه و... داشته باشد. در برخی شرایط با کشورهایی مانند روسیه و چین و... همپیمان و یا متحد گردد تا با همکاری آن‌ها مرزهای مجازی تعیین گردد. در هر صورت، سران حکومت اسلامی ایران، همیشه انگشت خود را به سوی دو دشمن اصلی در منطقه گرفته‌اند: عربستان سعودی و اسرائیل. طبق دکترین دفاعی حکومت اسلامی ایران، باید این دو کشور مهار شوند.

ساعتی قبل از آغاز جلسه، دبیرکل سازمان ملل در گزارشی به شورای امنیت از کشف راکت‌اندازهای ساخت ایران در یمن خبر داد.

در گزارش آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان، آمده است که دبیرخانه سازمان دو دستگاه شلیک راکت هدایت‌شونده ضد زره یافت شده در یمن را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که مشخصات آن‌ها با تجهیزات ساخت ایران انطباق دارد و به نظر می‌رسد این راکت‌اندازها در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در ایران ساخته شده باشد.

در همین جلسه، اسحاق آل‌حبیب، نماینده حکومت اسلامی در سازمان ملل با رد اظهارات وزیر خارجه درباره برنامه راکتی ایران امریکا، مدعی شد: «این برنامه یک توانمندی دفاعی متعارف و ضروری برای مقابله با تهدیدات خارجی

است.» او آمریکا را به‌خاطر خروج از برجام مورد انتقاد قرار و گفت شورای امنیت باید این کشور را به‌دلیل اعمال این تحریم‌ها قویا محکوم کرده و به‌خاطر اتخاذ اقدامات مغایر قطع‌نامه ۲۲۳۱ مسؤول بدانند.

در جلسه شورای امنیت، وزیر خارجه آمریکا علاوه بر صحبت درباره برنامه راکتی ایران، از این شورا خواست تا تحریم فروش تسلیحاتی به ایران را که در سال ۲۰۲۰ به پایان می‌رسد، تمدید کند.

در آوریل سال ۲۰۱۵ و پس از اخراج دولت یمن از پایتخت آن کشور توسط شبه‌نظامیان حوثی، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطع‌نامه‌ای، عبدالملک الحوثی، رهبر گروه موسوم به انصارالله را تحریم و ارسال هرگونه تسلیحات برای این گروه توسط کشورهای عضو سازمان ملل را ممنوع اعلام کرد. کشورهای عضو سازمان ملزم به رعایت قطع‌نامه‌های مصوب شورای امنیت هستند.

عربستان سعودی و متحدان آن کشور، مشخصا ایران را متهم کرده‌اند که به‌طور مستقیم یا از طریق حزب‌الله لبنان راکت و تجهیزات راکتی در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد اما مقامات حکومت اسلامی گفته‌اند که حمایت آنان از حوثی‌ها فقط جنبه سیاسی دارد و خود این گروه از فناوری ساخت راکت برخوردار است.

از روز ۶ دسامبر ۲۰۱۸، مذاکرات نمایندگان دولت یمن و شبه‌نظامیان حوثی با میانجی‌گری نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن در استکهلم، پایتخت سویدن، برگزار شده است.

جنگ یمن تاکنون چندین هزار کشته برجای گذاشته و باعث فشار اقتصادی شدید بر مردم این کشور شده است. در این جنگ، دولت یمن از حمایت عربستان سعودی در راس ائتلافی از چند کشور عرب و اسلامی، و حوثی‌ها از حمایت حکومت اسلامی ایران برخوردارند. ناظران جنگ یمن را «جنگ نیابتی» بین حکومت شیعه ایران و حکومت خاندان سلطنتی وهابی در عربستان توصیف کرده‌اند.

شورای امنیت سازمان ملل سه‌شنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۷-۴ دسامبر ۲۰۱۸ به درخواست فرانسه، بریتانیا و آلمان پشت درهای بسته تشکیل جلسه داد تا آزمایش راکت میان‌برد بالستیک ایران را به بحث بگذارد. نماینده آمریکا با انتشار بیانیه‌ای خواهان محکومیت ایران شد. نماینده بریتانیا رفتار ایران را غیرمسئولانه خواند اما گفت برای محکومیت ایران به شواهد بیش‌تری نیاز است. این جلسه بدون صدور قطع‌نامه علیه ایران به پایان رسید.

سه قدرت اروپایی که خواهان حفظ توافق هسته‌ای با ایران‌اند، در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرده‌اند که آزمایش راکت‌های ذوالفقار و قیام در ۳۰ سپتامبر و ۱ اکتبر سال جاری به دلیل آن‌که ممکن است این راکت‌ها توانایی حمل کلاهک هسته‌ای را داشته باشند، به‌معنای نقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است.

بر اساس این قطع‌نامه که در سال ۲۰۱۵ در چارچوب برجام به‌تصویب رسید، ایران از آزمایش راکت‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای منع شده است. کارین پرس، نماینده بریتانیا در سازمان ملل آزمایش این راکت‌ها را مصداق «رفتار غیرمسئولانه» ایران دانسته اما در همان حال گفته است که برای صدور قطع‌نامه‌ای علیه ایران به شواهد و مدارک بیش‌تری نیاز است.

نیکی هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل روز سه‌شنبه با انتشار بیانیه‌ای آزمایش راکتی ایران را «خطرناک و نگران‌کننده» نامیده و گفته است: «جامعه بین‌المللی نمی‌تواند هر وقت که ایران آشکارا قطع‌نامه‌های شورای امنیت را نادیده می‌گیرد چشم خود را ببندد.»

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا شنبه یکم دسامبر - دهم آذر با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که ایران اخیرا یک راکت بالیستیک با برد متوسط و با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را آزمایش کرده است. مقامات حکومت اسلامی و مقامات

ایالات متحده، درباره زمان و مکان آزمایش راکتی اخیر ایران سکوت کرده بودند. اما اکنون معلوم شد بحث بر سر راکت قیام و ذوالفقار است.

محمد جواد ظریف یادآوری کرد که ایران در پی دستیابی و استفاده از سلاح هسته‌ای نیست و راکتی هم که پرتاب شده، برای کلاهک متعارف طراحی شده است: «راکت‌هایی که برای کلاهک هسته‌ای طراحی شوند نیاز به دقت ندارد و برای این‌که به دقت برسید نیاز به هزینه بالایی دارد. جمهوری اسلامی با حمله اخیر به تروریست‌ها نشان داد که راکت‌های جمهوری اسلامی کاملاً نقطه‌زن است.»

راکت‌هایی که سپاه در پاسخ به حمله اهواز به دیرالزور شلیک کرد از نوع ذوالفقار و قیام بودند. امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، گفته است که راکت قیام، برای زدن «اهداف امریکائی» در اطراف ایران طراحی شده است.

امریکا روز دوشنبه از اتحادیه اروپا خواسته بود با توجه به آزمایش راکتی اخیر ایران تحریم‌های تازه‌ای علیه حکومت اسلامی برقرار کند. بحث بر سر ساز و کار مالی ویژه اروپاست که بر اساس معامله پایاپای نفت در برابر خدمات و کالا شکل می‌گیرد و به‌دلیل واهمه از تحریم‌های امریکا تاکنون هیچ کشوری حاضر نشده میزبانی آن را به‌عهده بگیرد. چند ساعت قبل از آغاز نشست شورای امنیت، مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا در بخشی از سخنانی که در «بنیاد مارشال» در ضرورت تحکیم بیش‌تر روابط امریکا با متحدانش در اتحادیه اروپا ایراد کرد، حکومت اسلامی ایران را همراه با چین و روسیه به‌عنوان «بازیگران بد» در جهان معرفی کرد. پمپئو ایران را به دروغ‌گوئی درباره برنامه هسته‌ای‌اش و به بی‌اعتنائی به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متهم کرد.

به استثنای ایالات متحده، سایر کشورهای طرف توافق هسته‌ای با ایران همچنان به این توافق پایدار هستند هر چند در مورد جنبه‌هایی از سیاست منطقه‌ای و برنامه تسلیحات راکتی ایران را مورد انتقاد قرار داده و خواستار تجدید نظر در رویکرد ایران شده‌اند.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، روز سه‌شنبه ۱۳ آذرماه در واکنش به نشست شورای امنیت در خصوص آزمایش راکتی اخیر ایران گفته است که برنامه راکتی جمهوری اسلامی مغایرتی «با قطعنامه شورای امنیت» ندارد.

فرانسه و بریتانیا معتقدند این آزمایش راکتی مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. این قطعنامه در سال ۱۳۹۴ در تأیید توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با حکومت اسلامی ایران موسوم به «برجام» صادر شده بود. این قطعنامه از ایران خواسته است که از توسعه راکت‌های بالیستیک که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای داشته باشند، خودداری کند.

سخن‌گوی وزارت امور خارجه اسلامی ایران در واکنش به این نشست شورای امنیت در روز سه‌شنبه گفته است: «ما در برنامه دفاعی راکتی خود هیچ‌گونه مغایرتی با هیچ قطعنامه شورای امنیت نمی‌بینیم و اگر کسانی چنین ادعائی دارند یا با قطعنامه ۲۲۳۱ آشنائی ندارند و یا این‌که بدون توجه به مفاد این قطعنامه، صرفاً قصد فضاسازی و ایجاد حساسیت و تنش علیه ایران را دارند که در هر دو حالت، جمهوری اسلامی ایران چنین رویکردی را محکوم کرده و آن را غیرسازنده و ناکارآمد می‌داند.»

این در حالی است که دیپلمات‌های اروپائی پس از این نشست شورای امنیت تصریح کرده‌اند که آزمایش اخیر ایران با قطعنامه ۲۲۳۱ «ناسازگار» است.

مایک پومپئو وزیر خارجه امریکا نیز اعلام خبر آزمایش راکتی اخیر ایران گفته بود این راکت آزمایش شده قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای داشت و این «نقض» قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است.

در همین حال، کارن پیرس، سفیر بریتانیا در سازمان ملل متحد پس از نشست شورای امنیت انجام آزمایش راکتی از سوی ایران را «بخشی از اقدامات بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی در منطقه» دانست.

سفیر بریتانیا در سازمان ملل متحد اضافه کرده است: این آزمایش راکتی «تحریک آمیز»، و با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ناسازگار است و تهدیدی برای این قطعنامه محسوب می‌شود. «حمایت ما از برجام به هیچ وجه نگرانی ما در مورد برنامه راکتی بی‌ثبات کننده ایران را کاهش نمی‌دهد» و این (برنامه) می‌بایست متوقف شود.

کارن و اوستروم، سفیر هالند در سازمان ملل متحد نیز آزمایش راکتی اخیر را مغایر با برجام دانسته است.

فرانسوا دلاتره، سفیر فرانسه در سازمان ملل متحد نیز نسبت به آزمایش راکتی ایران ابزار نگرانی کرد و آن را در «ناسازگار» با قطعنامه ۲۲۳۱ دانست. سفیر فرانسه خواستار توقف فوری هرگونه فعالیت مربوط به راکت‌های بالیستیک ایران شد.

نیکی هیلی، سفیر امریکا در سازمان ملل، در بیانیه‌ای گفته است: «آزمایش راکتی بالیستیک اخیر ایران خطرناک و نگران کننده است، ولی غافلگیرکننده نبود.» هیلی از شورای امنیت خواسته بود تا آزمایش اخیر راکتی بالیستیک ایران را محکوم کند.

امریکا روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ از برجام خارج شد و دلیل آن را «نقض روح این توافق»، فعالیت‌های راکتی بالیستیک و نقش منفی تهران در خاورمیانه دانست. واشینگتن پیرو این تصمیم، در ماه مرداد و آبان بار دیگر تحریم‌های معلق شده ایران را بازگرداند.

بقیه پنج عضو این توافق هسته‌ای شامل بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و چین گفته‌اند مادامی که تهران به تعهداتش در برجام پایبند باشد از آن حمایت می‌کنند.

با این وجود حکومت اسلامی ایران، همچنان به فعالیت‌های راکتی خود ادامه می‌دهد. همین چند ماه پیش وزارت خارجه امریکا از اروپا خواست که ایران را به دلیل نقض قطعنامه ۲۲۳۱ تحریم کند. این خواست بعد از این مطرح شد که مایک پمپئو حکومت اسلامی ایران را متهم کرد که راکتی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای آزمایش کرده است.

حکومت اسلامی ایران، ابتدا آزمایش راکتی را تأیید یا تکذیب نمی‌کرد اما بعد از چند روز امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوا فضا سپاه پاسداران بدون اشاره به‌نوع راکت، خبر تست راکتی را تأیید کرد و همچنین تأکید کرد: «این آزمایش برای امریکائی بسیار مهم است که آن‌ها فریاد می‌کشند.»

حتی خواندن و شنیدن گوشه‌هایی از ثروت‌های باد رفته جامعه ایران توسط حکومت اسلامی، هولناک و تکان‌دهنده است. سازمان ملل متحد خسارت مستقیم وارد شده به ایران در جنگ هشت ساله را ۹۷ میلیارد دلار برآورد می‌کند.

ایران اعلام کرده که هشت سال جنگ با عراق را تنها با ۵۲ میلیارد دلار اداره کرده، اما برآوردهای کارشناسی هزینه تحمیل شده به ایران برای جنگ را بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد.

برآوردهای سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران حداقل سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از محل تحریم‌ها زیان دیده است.

بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی، ایران ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۱۱ میلیارد دلار برای واردات نظامی هزینه کرد. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تولیدات کشاورزی برای ایران نیز ۶۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است.

به گفته یکی از نمایندگان مجلس، بهمن ماه ۱۳۹۲، ایران در هشت سال گذشته توانسته است «دو تن اورانیوم غنی سازی کند و چنانچه کل ظرفیت مرکز نطنز به بهره برداری برسد، پس از هفت سال تنها پاسخگوی نیاز یک سال نیروگاه بوشهر خواهد بود.»

بنا بر اعلام مسؤولان حکومت اسلامی، نیروگاه بوشهر با هشت سال تاخیر در سال ۲۰۰۸ به بهره برداری رسید، این نیروگاه دو سال پیش به صورت رسمی به شبکه برق ایران پیوست تا تاخیز در بهره برداری از آن به یازده سال برسد. زهره طیبزاده گفته است: «سوخت نیروگاه بوشهر تا ۱۰ سال آینده توسط کشور روسیه تأمین می شود و با توجه به امکانات مالی کشور و زمان بر بودن ساخت نیروگاه جدید در طی سال های آتی، اساسا نیروگاهی وجود ندارد که به تولید سوخت نیاز داشته باشد، بنابراین داشتن مجوز تولید صنعتی زیر ۵ درصد موجود هم به دلیل عدم نیاز بلا استفاده می ماند.»

او گفته است: «تأسیسات اراک در حال حاضر ناتمام و در مرحله آزمایشی است با توجه به این توافق نامه عملا تکمیل آن ناممکن است هر چند در صورت تکمیل در مرحله تحقیقاتی خواهد ماند، بنابراین برای کشور صرف هزینه در مورد تجهیزاتی که امکان بهره برداری صنعتی ندارد امری غیر عقلانی است.»

اظهارات این نماینده مجلس به خوبی نشان می دهد که با وجود سرمایه گذاری ها، ایران در پروژه اتمی به هدف از پیش تعیین شده نرسیده است. سهم نیروگاه بوشهر که پس از یازده سال تاخیر به بهره برداری رسیده، در تأمین برق ایران هم کمتر از سه درصد اعلام شده است.

حسن غفوری فرد عضو کمیته تحقیق از نیروگاه اتمی بوشهر نیز در سال ۹۰ گفته بود: «ساخت یک نیروگاه از صفر مقرون به صرفه تر از تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر است.»

به گفته او «پروژه غنی سازی و اکتشاف اورانیوم در ایران هم غیر فنی و غیر اقتصادی است. چرا که خلوص اورانیوم کشف شده در ایران کمتر از نیم درصد است و غنی سازی آن هزینه بر است. در حالی که برای راکتور تحقیقاتی تهران می توان با هزینه چند میلیون دالری سوخت چند ساله را تهیه کرد.»

سال ۱۳۹۲، دو مؤسسه امریکائی مؤسسه «کارنگی برای صلح بین المللی» و «انجمن دانشمندان امریکا»، در گزارشی اعلام کردند که ایران بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و سرمایه گذاری خارجی زیان دیده است. آبان همان سال، منابع اسرائیلی اعلام کردند که زیان های ناشی از تحریم ها، ۱۳۰ میلیارد دلار بوده است. گزارش های معطوف به سرسام آور بودن هزینه تحریم ها، فقط برآوردهای خارجی نیست.

یک گزارش منتشر شده در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۹۵ در روزنامه دنیای اقتصاد برآورد کرده است که تشدید تحریم ها و از دست دادن بازارها باعث شد که «در مجموع عدم النفع حدود ۴۰۰ میلیارد دالری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به کشور تحمیل شود.» اعداد و ارقام دیگری هم وجود دارد.

دو مؤسسه امریکائی، ایران به خاطر تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای اش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار زیان دیده است. مؤسسه و این هزینه را تنها مربوط به زیان هایی که ایران به خاطر عدم سرمایه گذاری شرکت های خارجی و همچنین تحریم صادرات نفت متحمل شده است، دانسته اند.

این در حالی بود که بر اساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس، در دوره تشدید تحریم های اقتصادی ۶۰ درصد صنعت ایران با ظرفیت حداکثر سی درصد فعالیت کرده است. همچنین به گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت، حداقل ۲۲۰ واحد تولیدی و صنعتی از کار افتاده اند. علاوه بر این در آخرین سال فعالیت دولت پیشین، حداقل ۷۲ هزار پروژه صنعتی و

عمرانی به دلیل عدم تأمین اعتبار و کسری بودجه ناتمام مانده است. اقتصاد ایران در این دوره با رشد منفی روبه‌رو شده و ایران به ناچار به مبادله نفت با کالا روی آورده است.

واقعا با همین ۱۰۰ میلیارد دالر چند فرصت شغلی در ایران ایجاد می‌شد و چند پروژه ناتمام به بهره‌برداری می‌رسید؟ ۱۰۰ میلیارد دالر معادل چند سال بودجه عمرانی ایران است؟

به اقرار علی ربیعی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی وقت دولت روحانی، هزینه ایجاد یک شغل جدید ۲۰ میلیون تا ۷۰ میلیون تومان است. اگر قیمت هر دالر را در آن دوره، سه هزار تومان در نظر بگیریم، هزینه ۱۰۰ میلیارد دالری ناشی از تحریم‌ها می‌توانست اعتبار لازم برای شش میلیون فرصت شغلی را تأمین کند. این در حالی است که به‌گفته معاون توسعه اشتغال وزارت کار، دولت در قانون بودجه سال گذشته هیچ اعتباری به اشتغال‌زایی اختصاص ن داده است. به گفته حسین طائی، از سال ۸۸ به بعد اعتبار اشتغال‌زایی از ردیف‌های بودجه سالانه حذف شده است.

به‌گفته رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، دولت برای تکمیل ۷۲ هزار پروژه صنعتی نیمه تمام به ۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد و مجموع اعتبار عمرانی بودجه سالانه ایران به ۲۰ میلیارد دالر هم نمی‌رسد. اگر این روایت را مینا قرار دهیم با همین ۱۰۰ میلیارد دالر، چند پروژه ناتمام به بهره‌برداری می‌رسید؟ مجموع اعتبار دولت برای مناطق محروم در سال گذشته چهار هزار میلیارد تومان بوده است که به گفته نماینده ایلام، بخش زیادی از آن وابسته به فاینانس خارجی بوده و محقق نشده است. حال محاسبه کنید که ۱۰۰ میلیارد دالر چند برابر بودجه تأمین اعتبار نشده مناطق محروم ایران است.

حال بماند که در این چهل سال، چه‌قدر از ثروت‌های جامعه ایران، توسط حکومتیان و اطرافیان آن‌ها حیف و میل و غارت شده است؟!

حکومت اسلامی در دو دهه اخیر، هزینه بسیاری برای دستیابی به توان راکتی کرده است و احتمال این‌که بر سر توان راکتی خود حاضر به عقب‌نشینی شود بسیار کم است. یکی از دلایل نگرانی کشورهای منطقه و اسرائیل از برنامه راکتی ایران، سیاست‌های تهاجمی است که مقامات عالی و نظامی ایران اتخاذ می‌کنند.

حکومت اسلامی ایران، تنها کشوری است که موقعیت حساس و مهمی در مهم‌ترین نقطه از کره زمین (به‌لحاظ موقعیت، میزان وجود منابع انرژی و همچنین به‌لحاظ موقعیت ارتباطی بین شرق به غرب آسیا و اروپا)، یعنی خاورمیانه یا همان غرب آسیا و شمال آفریقا دارد.

کشوری با ذخایر غنی از جمله ذخایر فراوان نفت و گاز و همچنین معادنی سرشار از منابع طبیعی، در قلب خاورمیانه واقع شده است. غیر از این، ایران از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان و آب‌های آزاد دسترسی داشته و مالکیت تنگه ستراتیژیک هرمز را هم بر عهده دارد.

چنین کشوری با چنین موقعیت و منابعی، ۴۰ سال است که گرفتار هیولائی به نام حکومت اسلامی ایران شده است که این هیولا هم انسان‌ها را می‌بلعد و هم ثروت کشور را. حکومتی که پرچم تروریسم اسلامی را بالا برده است. در این مدت نیز بارها جامعه ایران را در معرض تحریم اقتصادی و جنگ قرار داده که در طولانی‌ترینش، ۸ سال جنگ ایران و عراق بود و هم اکنون نیز در جنگ‌های موسوم به جنگ‌های «نیابتی» خاورمیانه حضور دارد.

سران حکومت اسلامی با این موقعیت ژئوپولیتیک و با این میزان از ذخایر طبیعی همچون نفت، گاز، معادن و ...، تمام تلاش خود را به کار انداخته‌اند تا یک ایران هسته و راکتی بسازند به همین دلیل تئوریسین‌ها و کارشناسان نظامی حکومت اسلامی ایران، به داشتن توان نظامی بالا تأکید می‌ورزند و از همه چیز «واجب‌تر و لازم‌تر» می‌دانند. اولویت اول ایران را نیز بر نظامی‌گری قرار داده‌اند.

از این‌رو، آیت‌الله خامنه‌ای «فرمانده کل قوای حکومت اسلامی»، علاقه بسیار زیادی به جنگ و سلاح دارد و خصوصا در سال‌های اخیر به‌مباحث نظامی و پیشرفت نظامی توجه روزافزونی داشته و همواره درصدد تقویت بنیه دفاعی حکومت‌شان است. همین سیاست حکومت اسلامی و تأکید آن بر شعارهای پوچ «مرگ بر امریکا»، «نابودی اسرائیل»، «نابودی آل سعود» و...، بهانه‌ای به‌دست قدرت‌ها غربی، به‌ویژه امریکا داده که آن‌ها، بسیاری از همسایگان ایران را مسلح کنند و ثروت‌های سرشاری برای صنایع نظامی خود کسب کنند. از سوی دیگر، به بحران و جنگ در کشورهای مختلف دامن بزنند. چرا که تولید انبوه و فروش سلاح با راه‌انداختن جنگ‌های داخلی و فراقشوری، رابطه مستقیمی دارند.

جمعه چهاردهم دی [جدی] ۱۳۹۷ - چهارم جنوری ۲۰۱۹